

پرسش از زیبایی در عرفان یهودی قباله از دیدگاه فلسفه جاویدان^۱

سمیه جلالیان^۳

ایرج داداشی^۲

۶۱

پژوهشنامه ادیان

پرسش از زیبایی در عرفان یهودی قباله از دیدگاه فلسفه جاویدان

چکیده

زیبایی یکی از مفاهیم بنیادین در عرفان قباله-جریان اصلی سنت عرفانی در دین یهود است. در این نظریه عرفانی زیبایی یکی از اسماء و تجلیات الهی محسوب می‌شود. اصحاب حکمت خالده نیز به این مفهوم به عنوان یک مفهوم مهم در نظریات عرفانی دوران پیش از مدرن پرداخته‌اند. آنها این مفهوم را در تقابل با تلقی مدرن از آن قرار داده و خداوند را منشأ زیبایی قلمداد می‌کنند. مسئله پژوهش حاضر چیستی این مفهوم در عرفان قباله با توجه به رویکرد اصحاب حکمت خالده است. سوالات پژوهش عبارتند از زیبایی در عرفان قباله به چه معناست؟ این مفهوم تحت چه مبحثی بیان شده است؟ پژوهش پیش‌رو با رویکرد سنت‌گرایانه و با رجوع به آراء دانشمندی یهودی‌گروم شولم در صدد تحلیل و تبیین مفهوم زیبایی در عرفان قباله است. اهداف پژوهش حاضر تبیین مفهوم زیبایی در عرفان قباله و تشریح مباحثی است که این مفهوم تحت آنها بیان شده است. نتایج نشان می‌دهد که زیبایی در بحث اسماء و صفات الهی مطرح شده و با اصطلاح تیفترت در ادبیات قباله به کار رفته است و به معنای هماهنگی، نظم و تعادل است. این هماهنگی و تعادل یک امر جهانشمول است که شامل هماهنگی در صفات باری تعالی، در هستی و در نفس انسان می‌شود.

کلیدواژه‌ها

یهود، زیبایی، عرفان قباله، حکمت خالده.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹.

dadashi@art.ac.ir

۲. استادیار، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران، ایران.

۳. دانشجوی دکتری رشته پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران، ایران

s.jalalian@student.art.ac.ir

(نویسنده مسئول).

مقدمه و بیان مسأله

دین یهود در میان ادیان موسوم به ابراهیمی، کهن‌ترین آن‌ها است. لیک بر خلاف تلاش بی‌پایان برخی دانشوران یهودی، برای قرار دادن آن از حیث تاریخی در جایگاه اقدم ادیان جهان، این دین کهن‌ترین دین عالم نیست. سنت یهودی علی‌رغم نمود نژادپرستانه و گاه به شدت افراطی و نکوهیده شماری از ساکنان کوچیده به سرزمین فلسطین، سنتی الهی و دارای مبادی الهی و واجد حقایق و اصولی متعالی است. در حقیقت ستیزه‌جویی کنونی بنیادگرایان افراطی، چیزی جز دور شدن از حقایق سنتی و تهی شدن از آن نیست. درست برخلاف روحیه ستیهندگی بنیادگرایان و متقشرین مذهبی، یا کسانی که به تعبیر حکمای سنتی معاصر، گرایش اگزوتریکی^۱ دارند، اهل باطن یا ایزوتریک‌ها^۲ هیچ دشمنی‌ای با دیگر ادیان و متدینین آن ندارند. زیرا به مصداق «المؤمن مرآة المؤمن» توجه به باطن و حقایق و اصول به ایشان جایگاهی را از نگرش خردمندانه می‌بخشد که می‌توان آن را نظاره از منظر الهی نامید.

عرفان یهودی یا قباله (kabbala) از جریان‌های اصلی سنت عرفانی و معنوی دین یهود است که از قرن سیزدهم میلادی و با کتاب زوهر (Zohar) پدیدار شده است. در جهان معاصر، هنگامی که سخن از مطالعه و تتبع در ادیان و سنت‌ها و تدقیق در اصول، ارکان و مقومات آن‌ها به میان می‌آید، عمدتاً نگاه‌ها به سوی حکمای معاصر مشهور به فرزاتگان جاویدان خرد یا اهل حکمت خالده یا Sophia Perennis یا Perennial Wisdom جلب می‌شود. از دیدگاه فلسفه جاویدان هر دین راست‌کیشی چهار رکن دارد که رکن چهارم آن زیبایی و هنر است. دغدغه اصلی‌ای که موجب شد این تتبع درباره زیبایی در عرفان یهودی صورت بگیرد، این بود که با وجود وفور منابع سنتی یهودی، و اهمیت این سنت به عنوان یکی از جلوه‌های سنت ابراهیمی، هیچ پژوهشی که با نگاه سنتی‌ای به موضوع زیبایی در عرفان یهودی صورت گرفته باشد، در دست نیست.

۶۲

پژوهشنامه ادیان

سال هفدهم، شماره سی و سه، بهار و تابستان ۱۴۰۲

1. exoteric

2. esoteric

پیشینه پژوهش

علی رغم کوشش‌هایی که در طی سال‌های اخیر توسط دوتن از محققان عمده سنت یهودی، «لئو شایا» و «گرهارد گرشوم شولم» صورت گرفته است، لیکن موضوع زیبایی در عرفان قباله مغفول مانده و بر خلاف انتظار در کوشش‌های این دو محقق نیز موضوع زیبایی مورد توجه قرار نگرفته است. منابع پراکنده‌ای هم که در مورد عرفان قباله نگاشته شده اغلب یا فاقد ارزش علمی هستند و برای جلب خوانندگان آسان‌پسند و ناآشنا صورت گرفته است و یا اساساً به همه جوانب عرفان قباله و موضوع زیبایی نپرداخته‌اند. نوشته‌های ربی شیمون لیبرمن^۱ در صفحه مجازی <https://aish.com/prayer-and-kabbalah/> شاید بیشترین تمرکز را روی موضوع زیبایی در عرفان قباله داشته باشد، لیکن بیش از یک جستار (essay) در این باره نیست و اقتضای جستارنویسی با نگارش یک کار تحقیقی دانشگاهی تفاوت دارد زیرا نویسنده جستار بیشتر بر دانش شخصی خویش متکی است تا به ادله و شواهد علمی. لیبرمن در مقاله خود با عنوان «قباله، شماره ۱۵، تيفرت: تألیف زیبایی»، با یک بیان عامیانه سعی می‌کند با مثالی از سیاست معاصر، موضوع را برای مخاطب خود بیان کند و هیچ اشاره‌ای نه به متن قباله دارد و نه آن را با ادبیات سنت عرفانی برخاسته از قباله تبیین می‌کند. توگویی همین اندازه که در یک صفحه مجازی فهمی ساده‌پسندانه از زیبایی یا Tiferet به دست می‌دهد، کفایت می‌کند.

نوشته دیگر در نشانی <https://www.mayimachronim.com/the-meaning-of-tiferet/> بی‌نام نویسنده هست که به موضوع «معنای تيفرت^۲» پرداخته و در آن با ارجاع به متون یهودی، سعی می‌کند با زبانی امروزی مفهوم تيفرت را برای مخاطب روشن کند. این نوشتار نیز با این که مفصل‌تر از نوشتار پیشین است اما کماکان همان روش جستارنویسی را پیش گرفته و متن فاقد رویکرد دینی و سنتی است و نویسنده گمنام آن نیز می‌کوشد یا تعابیری پیش‌پا افتاده در محاورات روزمره به معرفی تيفرت و مفهوم آن نزد یهودیان پردازد.

1. Rabbi Shimon Leiberman

2. "The Meaning of Tiferet"

از لئو شایا محقق یهودی‌ای که با اتخاذ دیدگاه فلسفه جاویدان آثاری درباره سنت یهودی پدید آورده است، مقاله‌ای با عنوان زیبایی مشاهده نشد و اساساً چنین کلیدواژه‌ای در آثار متعدد وی دیده نمی‌شود. گرهارد گرشوم شولم محقق یهودی دیگر، با این که در شمار فیلسوفان جاویدان قرار نمی‌گیرد و بیشتر باید وی را یک اندیشمند مدرن دانست، در آثار پرشمارش هیچ اشاره‌ای به معنای زیبایی در عرفان یهودی نکرده است. وی از دوستان نزدیک زنده‌یاد والتر بنیامین بود و مکاتبات مفصلی از ایشان در دست هست که تبادل اندیشه این دو متفکر مهم دنیای معاصر را نشان می‌دهد. دیگر فیلسوفان سنتی معاصر نیز از حد اشاره در نوشته‌های‌شان فراتر نرفته‌اند و هیچ نوشتار مفصلی درباره معنای زیبایی در قباله ندارند.

هدف، و پرسش تحقیق

هدف از این تحقیق، نگاهی بر مبنای فلسفه سنتی است به معنای زیبایی در سنت عرفانی یهودی. برای همین پرسش پژوهش ناظر به چنین هدفی چنین طرح شده است: زیبایی چه معنایی در عرفان قباله دارد؟ زیبایی با چه سازوکاری و در چه بستر موضوعی‌ای مورد بحث قرار گرفته است؟

نگرش، رویکرد و روش تحقیق و کارآمدی آن

برای تحقق هدف و رسیدن به پرسش‌های پژوهش، نخست نگرش فلسفه جاویدان به عنوان دریچه نگرش به موضوع برگزیده شد و با این رویکرد به مسأله موضوع نزدیک شده و به اتکای متن یا متون اصلی و تفسیر و تشریح و توضیح آن‌ها در همان چارچوب سنتی، و اتکا به آرای اندیشمندانی که با رویکرد سنتی به سنت عرفانی یهود پرداخته‌اند، سعی می‌شود به معنای زیبایی در سنت عرفانی یهودی دست یافته شود. طبیعتاً اتخاذ نگرش فلسفه جاویدان، تنها بدین دلیل صورت گرفته است که این نگرش در عرصه مطالعات ادیان، در جهان معاصر، هم پیشگام بوده و هم با نقد و سنجش نگرش‌ها و رویکردها و روش‌های مدرن که در بند پیش‌پنداشته‌هایی چون اصالت تاریخ، اصالت نسیت، اصالت بشر، عقل خودبنیاد و دیگر مؤلفه‌های دنیای مدرن هستند، کوشیده است

تمامی آن‌چه را ناشی از نفی سنت و بالمآل عدم نسبت با آن یا نسبتی در پس عوایق مؤلفه‌های مدرن هست، به کنار بگذارد و تقریب حقیقی به حقایق درونی ادیان بیابد. اساس نگرش مدرن، تضاد با سنت است، بنا بر این سنت را تنها در افقی می‌نگرد که برایش ممکن است. برای همین وقتی از سنت سخن به میان می‌آید یا آن را به عنوان امری زمان‌مند درمی‌یابد و تنها به وجه تاریخی آن می‌نگرد که می‌تواند موضوع یک مطالعه شود یا امری که زمانه آن به سر آمده و دیگر کارآمد نیست و شایستگی مطالعه را ندارد. به هر روی سرچشمه‌های دنیای مدرن تنها با سنت به مفهوم تاریخی آن آشناست. سنت کاتولیکی که از حقایق باطنی خود تهی گشته بود و با خودکامگی و خودبنیادی صاحبان قدرت در دیوان‌سالاری کلیسای کاتولیک، خاطرات تلخ تفتیش عقاید و اعدام مخالفان را در اواخر قرون وسطی به یادگار گذاشته است.

هر چند شاید به نظر برسد که نگرش فلسفه جاویدان، اصول خود را به موضوع مورد بحث تحمیل و آن را به رنگ خود درآورد، لیکن در پاسخ به چنین نقدی باید گفته شود که این نگرش تنها نگرشی است در پایگاه سنت می‌ایستد و موضوعات آن را با همان اصول سنتی که پدیدآورنده آثار در جهان سنتی هستند، مورد مطالعه و تتبع قرار می‌دهد. لذا بحث تحمیل اصول در کار نیست بل که باید از هماهنگی اصول سخن به میان آورد.

گردآوری اطلاعات از طریق نشانی <https://www.sefaria.org/texts> کتابخانه مجازی سفاریا و نیز دیگر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی صورت می‌گیرد.

رویکرد اصحاب حکمت خالده به زیبایی

در نظر جاویدان خرد، خداوند سرچشمه همه زیبایی‌هاست و هر اندازه هر چیز زیباتر باشد نقص و کاستی در وجود او کمتر است. خداوند همواره به نحوه ثابت زیباست و به این دلیل هر گونه تغییر زیبایی در او ناممکن است. خداوند مانند اشیاء جسمانی، گاهی زیبا و گاهی زشت نیست. او ذاتاً زیباست و برتر از همه واجد زیبایی و سرچشمه هر زیبایی است. چرا که او ذات برتر، مقدم بر همه موجودات، واحد و منبع همه

زیبایی هاست. هستی اشیاء از زیبایی الهی سرچشمه می‌گیرد.^۱ در واقع ریشه زیبایی در عالم الهی است که گنجی مخفی بود و خواست آشکار شود. از این رو کل آفرینش و هر صورتی تجلی حقیقت الهی است.^۲

یک خطایی شایعی که در مورد زیبایی وجود دارد این است که آن را در سطح یک امر ذوقی تنزل می‌دهد. در صورتی که زیبایی امری عینی است چه ما آن را ببینیم و یا نبینیم کیفیت ذاتی خود را دارد. زیبایی نه تنها وابسته به ذوق انسان نیست بلکه قبل از انسان موجود بوده است. الگوی الهی زیبایی تعادل صفت الهی است. این هماهنگی نشان دهنده مطلقیت زیبایی است. علاوه بر این! زیبایی کمال و خیر آن مبدأ اصلی را نشان می‌دهد.^۳ "به معنای نسبتاً متفاوت زیبایی از محبت الهی نشأت می‌گیرد. این محبت همان اراده مستقر ساختن و عرضه کردن خود، یعنی محقق ساختن خود در دیگری است. بنابراین که خدا عالم را به واسطه محبت آفرید و ماحصل محبت، نوعی تمامیت است که تعادل کامل و سعادت کامل را محقق می‌سازد. به همین دلیل ماحصل آن جلوه جمال است". اولین نمونه چنین تجلی را می‌توان در عالم خلقت یافت عالمی که گرچه زشتی‌هایی را دارد اما در کلیت خود زیباست. این کلیت و تمامیت را نفس بشر تنها در صورتی درک می‌کند که به قداست رسیده باشد. از این رو زیبایی تجلی کننده محبت، استقرار، تعادل و سعادت است. "زیبایی اساساً نوعی استقرار، نوعی ظهور حتی در مقام ذات ربوبی است که در آن راز غیر قابل درک نفس کلی در وجود مطلق استقرار یافته است و آن نیز به نوبه خود در ظهور مطلق استقرار یافته است... وجود مطلق خداست و ظهور مطلق عالم است. بدین سان هر زیبایی زمینی بر سیل راز محبت است"^۴. در واقع خداوند آغاز و سرچشمه زیبایی است. زیبایی تعادل در صفات خداوند

۱. کوماراسوامی، آناندا، مبانی سنتی هنر و زندگی، ترجمه امیر حسین ذکریگو، تهران، فرهنگستان هنر، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۲۹۳.

۲. بنیای مطلق، محمود، نظم و راز، تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۶۰.

۳. نصر، سید حسین، معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزائی، تهران، نشر فرزاد، چاپ دوم، ۱۳۹۸، ص ۲۲۹.

۴. شوآن، فریتهوت، حقایق و خطاهایی درباره زیبایی، هنر و معنویت، ترجمه ان‌شالله رحمتی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۹۴، ص ۳۰-۳۲.

است که انعکاس آن در عالم هستی همان نظم و هماهنگی است که در عالم جریان دارد. این نظم و تدبیری جهان هستی نشان دهنده محبت خداوند است. لذا او تنها زیبایی، عشق و حقیقت مطلق است.^۱

خرد از زیبایی جدایی ناپذیر است. خرد همان عقل الهی است که منشأ خرد انسانی است و خود دربردارنده زیبایی خداوند است. زیبایی با ارضای خرد انسان او را از شک‌ها دور نگه می‌دارد و به مرتبه معرفت یقینی می‌رساند.^۲ وظیفه‌ی زیبایی زمینی یادآوری افلاطونی کهن الگوها و صور متعالی در انسان عاقل است.^۳ در واقع صورت‌های زیبا ابزاری هستند حقیقت آدمی را یادآوری می‌کنند.^۴ به باور اصحاب حکمت خالده زیبایی را هم اخلاقی و هم عقلانی است.^۵ عقلانی است زیرا در جهانی که مملو از عوارض و حادثات است بدون نیاز به تفکر انتزاعی ما را به سوی جوهر حقیقی رهنمود می‌کند.^۶ به همین دلیل زیبایی ابزاری مهم برای کسب معرفت است مخصوصاً برای افرادی که جذب زیبایی می‌شوند. یک ملودی زیبایی یا یک شعر زیبا می‌تواند لحظه‌ای از تأمل و تفکر را در انسان برانگیزد و انسان را به درجه‌ای از شناخت شهودی برساند که با مطالعه بسیار به دست نمی‌آید. از این جهت زیبایی از معرفت و امر قدسی جدایی ناپذیر است. همچنین زیبایی اخلاقی است زیرا فرد زمانی به این مرحله از معرفت شهودی می‌رسد که صاحب فضیلت شده باشد.^۷ از این رو رسیدن به معرفت قدسی و درک زیبایی اصیل و حقیقی نیازمند تذهیب نفس است. بنابراین، مقصود از زیبایی شناسی در نظر اصحاب حکمت خالده علمی است که نه تنها زیبایی محسوس بلکه مبانی معنوی زیبایی را مورد توجه قرار می‌دهد. زیبایی‌شناسی

۶۷

پژوهشنامه ادیان

پرسش از زیبایی در عرفان یهودی: مقاله از دیدگاه فلسفه جاویدان

۱. کوماراسوامی، مبانی سنتی هنر و زندگی، ص ۱۰۱.

۲. نصر، معرفت و امر قدسی، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

۳. شوآن، فریتهوت، مسائل نظری هنر و زیبایی مبانی جامع زیبایی شناسی جامع، ترجمه محمدرضا ریخته‌گران، فصلنامه نقد و نظر، ۱۳۷۷، سال چهارم، شماره ۳، ص ۲۳.

۴. نصر، معرفت و امر قدسی، ص ۲۳۱.

۵. همان، ص ۲۳۰.

۶. شوآن، فریتهوت، مسائل نظری هنر و زیبایی مبانی جامع زیبایی شناسی جامع، ص ۲۳.

۷. نصر، معرفت و امر قدسی، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

همان علم به زیبایی است که هم با قوانین عینی و هم با قوانین احساس زیبایی‌ها سروکار دارد. به باور شوآن:

"زیبایی عینی به مواردی اطلاق می‌شود که به نحوی بیان‌کننده جنبه‌ای از جلال و عظمت عالم است و این اطلاق به اصول سلسله مراتب و توازن و انتظامی که این جلال و عظمت در بردارد و مقتضی آن است مطابقت دارد. زیبایی از آن حیث که یک تجلی است مقتضی کمال است و کمال از طرفی بر حسب اطلاق و از طرفی بر حسب عدم تناهی محقق می‌شود. بدین گونه که زیبایی در منعکس ساختن مطلق نحوه‌ای از نظم و قاعده را به وجود می‌آورد و در منعکس ساختن نامتناهی نحوه‌ای از رمز و راز را ایجاد می‌کند. در این صورت زیبایی با وصف کمال، نظم و قاعده و نظم و راز است و از طریق این دو صفت است که تأثیر می‌کند و در عین حال موجب تسکین و آرامش عقل و احساس ملایم با عقل می‌شود".^۱

همانطور که مشاهده می‌شود شوآن در این بخش به دو جنبه دیگر از زیبایی اشاره می‌کند که نظم و راز است. به واقع زیبایی از یک جهت تعادل و هماهنگی را نشان می‌دهد با نظم مرتبت است و از جهتی چون ذات بی‌نهایت خداوند را آشکار می‌کند با راز در ارتباط است. به طور کلی می‌توان گفت مبدأ الهی زیبایی، عینیت، کمال، تعادل و هماهنگی، نظم و راز، اخلاق و معرفت و محبت و عشق از مولفه‌ها و کلید واژه‌های زیبایی در نظر جاودان خرد هستند. در ادامه پژوهش می‌کوشیم این مولفه‌ها را در عرفان قباله مورد بررسی قرار داده و تبیین کنیم.

عرفان قباله

معسه برشیت^۲ سنت اصلی عرفان یهود است. معسه یعنی داستان و برشیت به معنی آفرینش است. در معسه برشیت یا داستان آفرینش (عرفان قباله)، سالک می‌خواهد به رازهای آفرینش دست پیدا کند. مثلاً سوالاتی درباره این که در شش روز خلقت چه

۱. شوآن، فریتهوت، مسائل نظری هنر و زیبایی‌مبانی جامع زیبایی‌شناسی جامع، ص ۲۱ و ۲۲.

2. Ma'aseh Bereshit

اتفاقی افتاد؟ ده نامی که خدا با آن جهان را خلق کرد چه بود؟ آیا دو آسمان وجود دارد یا هفت آسمان (Jacobs, 1906: 235)؟^۱

در کاربرد عام و سنتی قباله بر آموزه‌ی باطنی و عرفانی یهود به ویژه عرفان خاص سده‌ی میانه، از قرن ۱۲ به بعد، دلالت دارد. قبالا به معنی "قبول کردن" و "پذیرفتن" است و منظور از آن قبول کردن سنت و مسائل هلاخایی است.^۲ این آیین بیان کننده راه سلوک عرفانی است و درون مایه آن مطالب خداشناسی و هستی‌شناسی است. مهم‌ترین سند مکتوب آن کتاب روشنایی یا زوهر است که ابتدا به زبان آرامی در قرن سیزدهم در اسپانیا نگاشته شد. این کتاب دربردارنده‌ی آموزه‌های عرفانی درباره‌ی ذات ناشناخته باری تعالی است، خدایی که در غیاب نامتناهی *Ein Sof* (نامحدود) است. درباره‌ی او هیچ سخنی نمی‌توان گفت ولی او را می‌توان با نور درون و با مراقبه شناخت.^۳ قرن ۱۳ آغاز گسترش تفکر قبلائی بود. *Yitshaq Sagi Nahor* (یتشاق کور) پسر ابراهیم بن داود به عنوان معلم و مرشد بسیاری از قبلاها شناخته شده است او به همراه چند تن دیگر نخستین آثار مکتوب قبلائی را پدید آوردند که دربردارنده‌ی تفسیرهایی در رساله‌ی آفرینش‌شناسی سفر *Yetsirah* و سفر آفرینش در کتاب مقدس و تبیین‌هایی منطقی نیز از درون‌مایه‌ی کتاب تورات است. رانده شدن یهودیان از اسپانیا و پرتقال در سال ۱۴۹۲ و ۱۴۹۷ منجر به مهاجرت قبلاهای مشهور به سمت شمال آفریقا، ایتالیا و لوآن و گسترش عرفان قبالا در آن قلمروها شد.^۴

در باور قبلائیان تورات چهار سطح معنایی دارد. بر این اساس تفاسیر تورات عبارتند از: *Peshat* که تفسیر لغوی است، *Remez* تفسیر تمثیلی است، *Derash* تفاسیر آگادایی

1. Jacobs, Joseph, A. Biram, Ma'aseh Bereshit; Ma'aseh Merkabah (literally, "work of Creation" and "work of the Chariot", The Jewish encyclopedia, Funk and Wagnalls, New York, 1906, v.8, p.235.

۲. کاویانی، شیوا، آیین قباله عرفان و فلسفه‌ی یهود، تهران، انتشارات فراوان، ۱۳۹۳، ص ۲۶.

3. Ein Sof

۴. همان، ص ۲۳-۲۴.

5. Yitshaq Sagi Nahor (Yitshag the Blind)

6. Sefer Yetsirah

۷. همان، ص ۲۶-۲۸.

و تلمودی است و Sod که معنای عرفانی است^۱. عرفان قباله تفسیر عرفانی کتاب مقدس است.

نظریه تجلی

این سوف نقطه آغاز همه تأملات قبالایی است. به باور آنان خداوند بی‌نهایت است و نمی‌توان هیچ صفتی را به او نسبت داد. همه صفات مثبت محدود هستند. خداوند فقط به طور سلبی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد یعنی تنها می‌توان گفت خداوند چه چیزی نیست^۲. اگر بخواهیم جسورانه‌تر سخن بگوییم او عدم است. قلمرویی که هیچ عقلی نمی‌تواند آنرا درک کند و تنها می‌تواند به عنوان هیچ یا عدم تعریف شود، به این قلمرو را این سوف می‌نامند^۳. همه گرایش‌های عرفان قباله در این نکته مشترک هستند که به ذات خدا (در متعالی‌ترین شکل آن) جز از طریق تدبر و تأمل در رابطه بین خلقت و خدا، نمی‌توان دست یافت^۴.

حال این سوال مطرح می‌شود که اگر خداوند آن سوف است - اگر چیزی خارج از او نیست - پس خلقت چگونه اتفاق افتاده است؟ زیرا آن نمی‌تواند از قبل به عنوان یک واقعیت یا ماده اولیه موجود باشد؛ زیرا هیچ چیز خارج از خدا نیست. آفرینش جهان در زمان مقرر از سوی خداوند مستلزم تغییر ذهنیت اوست، او را از خالق نبودن به خالق بودن سوق می‌دهد. اما تغییر در این سوف غیر قابل تصور است و از همه بیشتر تغییر عقیده در او غیر ممکن است. سوال دیگر این است که خداوند به عنوان موجود نامتناهی، ابدی، ضروری، ساده و البته کاملاً روحانی چگونه ممکن است که جهانی جسمانی و مرکب را بیافریند بدون اینکه در ارتباط با آن تحت تأثیر قرار گیرد؟ اگر بخشی از

1. Scholem, Gershom Kabbalah and its Symbolism, Schocken books Inc., New York, 1960. P.57
2. Kohler, Kaufmann, Ginzberg, Louis, *Cabala, The Jewish encyclopedia*, Funk and Wagnalls, New York, 1906, v.3, p.472.
3. Scholem, Gershom, Kabbalah, Keter Publishing House Jerusalem Ltd. P.O. Box 7145, Jerusalem, Israel, 1978, p.94.
4. Ibid: 88

خداوند در جهان جسمانی نبود چگونه به وجود می آمد؟^۱
قبالایان بر حل این مشکل نظریه سفیروت را مطرح کردند. سفیروت بیان کننده نحوه تجلی خداوند در جهان هستند. این اصطلاح از کلمه عبری sefirah به معنای عدد و دسته است و برای اولین بار در رساله سفر یتسیرا که نویسنده آن مشخص نیست به کار رفت و از قرن ۱۲ مفهوم محوری قبالا شد.^۲

سفیروت / درخت زندگی

داستان آفرینش در عرفان قبالا با تجلی آغاز می شود. بنابراین فرایند خلقت، فرایند آشکارگی و ظهور خدای پنهان و پوشیده است.^۳ در کتاب زوهر آمده است که او می خواست خود را آشکار کند تا با نام الوهیم خوانده شود.^۴ از این رو، خود را در ده شان یا صفت (سفیروت) آشکار کرد.^۵ سفیروت تجلیات ان سوف هستند. خدا خود را آشکار و بیان کرد. خدا قدرت هایش را نامگذاری کرد تا خود را آشکار کند. آن ها را نامید، می توان گفت خود را نامید. فرایندی که از طریق آن پنهان خود را آشکار و اظهار کرد. اساس این سفیروت ها ارتباط الوهیت با جهان مخلوق است. اما سفیروت های موجودات میانه نبودند بلکه خود خدا و تجلی خدا بودند. در حالی که ان سوف نمی توانست مورد جست و جوی مذهب قرار گیرد بلکه خدا می تواند در جنبه بیرونی اش درک شود.^۶ بنابراین دو قلمرو وجود دارد، قلمرو ان سوف که ژرف ترین باطن است و برای همگان مگر خدا، درک نشدنی و نامرئی باقی می ماند. دیگری که به اولی متصل است و معرفت خداوند را ممکن می کند، عالم سفیروت عالم آسماء و

1. Broydè, Isaac, *Sefirot, The Ten, The Jewish encyclopedia, Funk and Wagnalls, New York, 1906, v.11, p.154.*

2. Kohler and Ginzberg, *CABALA*, 472.

3. Scholem, *Kabbalah*, p.88.

4. Zohar 1:2a:14.

۵. شولم، گرشوم، جریان های بزرگ عرفان یهود، ترجمه فریدالدین رادمهر، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۹، ص ۲۷۵.

6. Scholem, *Kabbalah*, p.99-101.

صفات خداوند است.^۱ دو قلمرو را به نحو دیگری نیز می‌توان گفت: قلمرو وحدت و قلمرو کثرت. فرایند تجلی از جهان یگانگی آغاز می‌شود و نه از وجود ثابت خدا، بلکه از فرایندی که در خدا بود، که خودش در یگانگی اش با قدرتهایش یگانه شد. در مقابل جهان جدایی، قلمروی جدایی نتیجه‌ی فرایند خلقت است که ذات عارفانه‌ی این سوف در تجلی سفیروت بیان می‌شود. رابطه‌ی این سوف و سفیروت‌ها را می‌توان به شمعی تبدیل کرد که میان ده آینه سوسو می‌زند. نور یکی در دیگری نهاده شده‌است. هر کدام در رنگ متفاوت، هر کدام در نور متفاوتی نشان داده شده‌اند. گرچه نور یکی است. تصویر سفیروت به عنوان حجاب‌ها رایج است و بر اساس میدراش در خلقت جهان خدا خودش را در ده حجاب پوشاند و اینها در کابالا سفیروت نامیده می‌شوند. گرچه تمایزی بین بدن و لباس وجود ندارد، اما این حجاب‌ها انسان را قادر می‌سازد که به نور نگاه کند و بدون این حجاب‌ها کور می‌شود. با نگاه به اولین حجاب، می‌تواند به طور مداوم به حجاب‌های دیگر هم نگاه کند. در این صورت سفیروت‌ها مانند پله‌های نردبانی هستند که به سوی ادراک خدا می‌رود.^۲ این سفیراها عبارتند از: کیتیر^۳ تاج خداوند، حکمت^۴ خرد، بینا^۵ عقل خداوند، حسید^۶ عشق، گورا^۷ اقتدار و داوری، تیفرت^۸ جمال و زیبایی (رحمت یا مهربانی)، نصیح^۹ صبر آخر، هود^{۱۰} عظمت خداوند، یسود^{۱۱} اس و اساس جهان و ملکوت (پادشاهی)^{۱۲}. در کتاب سفر یتسیرا این

۱. شولم، جریانهای بزرگ در عرفان یهود، ص ۲۷۴.

۲. Scholem, Kabbalah, p.102-104.

۳. Keter

۴. Hokhmah

۵. Bina

۶. Hesed

۷. Gevurah

۸. Tif'eret

۹. Netzah

۱۰. Hod

۱۱. Yesod

۱۲. Ibid:106

اخطار داده شده است که این سفیروت‌ها را نباید پرستید بلکه آنها صرفاً راه‌های ارتباطی هستند. ابزارهایی هستند که خداوند از طریق آنها با مخلوقات و مخلوقات با خداوند ارتباط برقرار می‌کنند. اگر سفیروت‌ها نبودند آن هستی بی‌نهایت ناشناخته و غیر قابل دسترس باقی می‌ماند. تنها از طریق سفیروت‌ها است که به او می‌توان نزدیک شد.^۱

نظم و تقسیم سفیروت

بر مبنای نظریات آلیرز^۲ با این ده سخن جهان خلق شد و آنها در سه سخن خلاصه شدند. بنابراین آنها به سه و هفت تقسیم می‌شوند. در این مورد یک تقسیم‌بندی بین سه سفیرای پنهان و هفت سفیرای بدنه - هفت روز خلقت - وجود دارد.^۳ یک تقسیم‌بندی دیگر سفیروت‌ها را به سه ستون یا خط تقسیم می‌کنند به صورت یک واحد که شامل دو صفت متضاد و یک صفت هماهنگ‌کننده (ستون وسط) است. سفیرای سمت راست حکمت، حسد، نصح است و سمت چپ بینا، گورا و هود و ستون مرکزی کتر، تیفرت، يسود و ملکوت است.^۴ از آنجایی که انسان در صورت خداوند آفریده شده است، در انسان ازلی ده سفیروت وجود دارد و آنها به صورت زیر با بدن او نشان داده می‌شوند: سه سفیرای اول با سر و سفیروت چهارم و پنجم با دست‌ها، ششمین سفیرا با سینه و هفتمین و هشتمین سفیرا با پاها نهمین با اندام جنسی و دهمین با بدن کامل منطبق است.^۵

تیفئرت / زیبایی

تیفئرت به معنی زیبایی، شکوه و جلال است. این کلمه در کتاب مقدس به زیبایی به خصوص به معنای تزئین دلالت دارد. در کتاب اشعیا ۳:۱۸ این کلمه به جواهرات و

1. Kaplan, Aryeh, Sefer Yetzirah: The Book of Creation, Red Wheel/Weiser, Boston, York Beach, 1997, p.21.
2. Rirkei de R Eliezer.
3. Scholem, Kabbalah, p.108.
4. Ibid:109.
5. Ibid:106,107.

پارچه‌های تزئینی که زنان ثروت استفاده می‌کنند دلالت دارد. تیغثرت به معنی آنچه که برای فرد افتخار و بزرگی به همراه می‌آورد است. علاوه بر این، به شکوه و افتخاری که دستاورد یک فرد مثلاً پادشاهان است دلالت دارد.^۱ دو معنای این کلمه به معنای تاج زیبایی و تاج شکوه است که در کتاب اشعیا ۶۲:۳ در توصیف اورشلیم و در ضرب‌المثل‌ها ۴:۹ در توصیف خرد به کار رفته است. این کلمه در کتاب خروج ۲۸:۲، ۴۰ در توصیف وسایل مقدس برای کاهن اعظم هارون و پسرانش به کار رفته است.^۲ تیغثرت در عرفان قباله معنای متفاوتی پیدا می‌کند که به شرح آن می‌پردازیم.

تبادل و هماهنگی

همانطور که گفته شد در نظر اصحاب حکمت خالده خداوند سرچشمه زیبایی است و الگوی الهی آن در تبادل بین صفات الهی است. در عرفان قباله نیز مشاهده می‌کنیم که خداوند از عمق این سوف که قابل شناخت نیست در سفیروت آشکار شد. تیغثرت یا همان زیبایی ششمین سفیرا و یکی از اسماء الهی است. این کلمه در سیستم سفیروت در رابطه دیالکتیکی بین گورا و حسد یعنی بین مهربانی و داوری بازنمایی می‌شود. از نظر عرفای قباله این دو صفت برای خلق جهان بسیار ضروری هستند.^۳ حسد مهربانی و عشق بی حد و مرز الهی است که خداوند از طریق آن جهان را خلق کرد و مدام آنرا باسازی می‌کند. حسد بیانگر خیرخواهی نامحدود خداوند نسبت به مخلوقات است. در طرف مقابل آن گورا به عنوان اصل اندازه‌گیری، حد و محدودیت است. قدرت گورا در این واقعیت است که عشق بی حد و مرز خدا در حسد را محدود می‌کند. گورا داوری سخت‌گیرانه در مقابل آن قرار دارد. تیغثرت هماهنگ کننده‌ی آن دو صفت است، مهربانی بی حد و مرز خدا و عدالت سخت او را هماهنگ می‌کند. این تبادل و

۱. اشعیا ۱۲:۱۰، ۲۰:۵

2. Ferretter, Luke, The Power And The Glory : The Aesthetics Of The Hebrew Bible, literature and Theology, 2004, Vo. 18.No.2.p. 124.

3. Drob. Sanford L, The Sefirot: Kabbalistic Archetypes of Mind and Creation, CrossCurrents, Spring, 1997, Vol 47, Num 1, p8.

هماهنگی اصل زیبایی تلقی می‌شود. عرفای یهود تیفرت را حقیقت مطلق می‌دانند. از آن جهت که هر یک از حسد و گورا حقایق نسبی هستند و تنها یک جنبه را دارند. حسد اصل خلقت و گورا اصل محدودیت جهان است. تیفرت آن دو را در خود هماهنگ می‌کند. از این جهت حقیقت مطلق است، زیرا هر یک از گورا و حسد فقط یک جنبه از حقیقت را در خود دارند، فقط مهربانی و عدالت، ولی تیفرت هر دو را در خود دارد.^۱ از این رو تیفرت انعکاس حقیقت مطلق، تعادل، هماهنگی و کمال در صفات الهی است.

تیفرت و تورات

بعد دیگری زیبایی که در حکمت خالده به آن توجه شده بود نظم و راز است در ارتباط بین تیفرت و تورات نمود پیدا میکند. تیفرت با تورات مطابق است. تورات در عرفان قباله اهمیت به‌سزایی دارد. تورات یک مجموعه‌ی عرفانی است که هدف آن نشان دادن قدرت خداست. قدرتی که در نام او متمرکز شده‌است. این نام مانند نام‌های اجتماعی نیست که فرد را با آن می‌خوانند. بلکه به معنی این است که خدا در تورات حضور متعالی خود را بیان کرد و وجودش را آشکار کرد. نام قدرت‌مند خدا، هم قوانین سری و هم نظم و هماهنگی دارد که با آن جهان مدیریت می‌شود. به علاوه در متون تلمودی قدیمی و اپوکریفا^۲ نوشته شده‌است که خدا جهان را با نام خود آفرید. این مسئله اشاره

1. Ibid:19,20.

۲. Apocrypha، کتاب مقدس عبری به دستور فلاذلفوس، حاکم مصر، در قرن سوم میلادی به یونانی ترجمه شد. این ترجمه سبعینیه نام دارد. یکی از تفاوت‌های این دو نسخه (نسخه عبری و یونانی) این است که نسخه دوم تعدادی کتاب مجزا اضافه دارد و نیز در برخی از کتاب‌ها که در هر دو نسخه آمده است، در نسخه سبعینیه بخش‌هایی اضافه شده است. در ابتدا یهودیان عبری زبان نسخه عبری عهد قدیم را قبول داشتند، اما یهودیان یونانی زبان از نسخه سبعینیه استفاده می‌کردند. اما بعداً همه یهودیان نسخه عبری را پذیرفتند و بنابراین نوشته‌های اضافی نسخه سبعینیه و نیز کتابهای دیگر، غیر قانونی و غیر رسمی اعلام شد. کلیسای پروتستان مسیحی به این نسخه‌های اضافه نام اپوکریفا داد که در زبان یونانی به معنی مخفی و پوشیده بود اما در زبان انگلیسی به معنای "آنچه که کنار گذاشته شد" به کار رفت. از آن پس این نوشته‌ها به همین عنوان معروف شدند و "کتابهای اپوکریفایی" خوانده شدند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۸: ۱۲۲-۱۲۴).

به تورات فیزیکی ندارد. بلکه اشاره به تورات پیش از خلقت دارد. برای قبالیان تورات فرآیند آشکارسازی خداست. تورات راز حیات خدا را آشکار می‌کند. راز زندگی خدا در تورات است. نظم آن بر مبنای نظم خلقت است^۱. در واقع تیفرت یکی از نام‌ها و ظهورات یهوه است. تورات نیز نام خداوند است. این دو چون ذات یهوه را از جهت بی‌نهایتی و کمال نشان می‌دهند، دربردارنده راز(از جهت بیان امر نامحدود و بی‌نهایت در محدود) و نظم(از جهت مطلقیت و کمال) هستند.

علاوه بر این، تورات باعث باعث هماهنگی در نفس انسان و در جهان می‌شود. تورات راه مستقیم است. تورات مطابق با تیفرت و در ستون مرکزی است و دو طرف راست و چپ را هماهنگ می‌کند. کسی که تورات را دارد چیزی کم ندارد به این دلیل که ویژگی‌ها فرد را متعادل می‌کند. اگر شخص مقهور هر یک از صفات خود شود دیگر فاقد قدرت ذهنی است تا بتواند قوای خود را متعادل کند و از افراط و تفریط آن جلوگیری کند. هدف تورات این است که برای انسان کمال و تعادل به ارمغان آورد. انسان کامل کسی است که می‌داند چطور از خصایص خود در شرایط مختلف استفاده کند اما فرد نامتعادل در یک حالت خاص باقی می‌ماند و زمانی که باید به دنبال یک رفتار جایگزین باشد قادر به انجام این کار نیست^۲. در واقع به لحاظ روانشناسی، تیفرت زیبایی تعادل در روح انسان است. تعادل بین محبت بی‌حد و سخت‌گیری و نظم^۳. همانطور که گفته شد، انسان ازلی بر صورت خدا آفریده شده است در انسان ازلی ده سفیروت وجود دارد. سفیرای تیفرت مطابق با قلب انسان است. از این جهت انسان کامل کسی است که احساسات در قلب او به تعادل رسیده است. تیفرت مطابق با

1. Scholem, Kabbalah and its Symbolism, p.40,41.

2. Chanoch Henoch Leiner of Radzin , Rabbi Gershon ,Shaar HaEmunah Ve'Yesod HaChassidut, Entrance to the Gate of Beit Yaakov, Chapter 2:4, [https://www.sefaria.org/search?q=\(Shaar%20HaEmunah%20Ve%27Yesod%20HaChassidut%2CEntrance%20to%20the%20Gate%20of%20Beit%20Yaakov&tab=text&tvar=1&tsort=relevance&svr=1&ssort=relevance](https://www.sefaria.org/search?q=(Shaar%20HaEmunah%20Ve%27Yesod%20HaChassidut%2CEntrance%20to%20the%20Gate%20of%20Beit%20Yaakov&tab=text&tvar=1&tsort=relevance&svr=1&ssort=relevance).

برای استفاده از این منبع از کتابخانه مجازی استفاده شده است لذا نحوه ارجاع به این صورت است که عدد اول عدد فصل و عدد دوم شماره بند می‌باشد.

3. Drob, The Sefirot: Kabbalistic Archetypes of Mind and Creation, p.20.

یعقوب نبی است. در کتاب مقدس آمده است که عیسو شکارچی زیرکی بود اما یعقوب مردی آرام بود. کلمه آرام در تورات به معنی کامل هم هست. یعنی نظام سمت چپ و راست (سفیروت ها ستون چپ و راست) در او به کمال رسیده بود.^۱ او در تمامی ویژگی‌هایش کامل بود. چنین فردی به مقام صلح اکبر یا همان حضور الهی (شخینا) رسیده است.^۲ یعقوب نماد ترس کامل از خدا و نماد تورات است. ترس درست از خدا ریشه در تورات دارد که ایمان مقدس نامیده می‌شود. تورات یک مسیر مستقیم است و کتاب یاشار نامیده می‌شود. یاشار یعنی مستقیم و راست.^۳ تورات به افراد می‌آموزد که چطور در مسیر مستقیم گام بردارند و توصیه می‌کند که چطور توبه کنیم و به خداوند بازگردیم. فرد باید تماماً وقت خود را صرف مطالعه تورات کند و شب و روز از آن منحرف نشود.^۴ فرد ناآموخته از گناه نمی‌ترسد. به عبارت دیگر کسی که تورات را انکار می‌کند و اطلاعاتی ندارد تا بداند که از چه چیزی باید بترسد. مرتبه بالایی از ترس ریشه در تورات دارد. تورات ترس از شکوه و جلال خداوند است و باعث می‌شود فرد دستورات الهی را انجام دهد. دانشمندان میشنا می‌گویند: بزرگ است تورات که انسان را وادار به عمل می‌کند. کسی که تورات نداند چطور از خدا می‌ترسد.^۵ در زوهر چنین آمده است: "خوشا به حال کسی که همیشه می‌ترسد زیرا ترس با عشق همراه است.^۶ علاوه بر این ترس از خدا آغاز حکمت است. ترس دروازه‌ای است که از طریق آن فرد به ایمان می‌رسد.^۷ عمل به تورات باعث نظم و هماهنگی در کل هستی می‌شود. شرح آن چنین است که در ابتدا وحدت بین خدا و

۱. صفی‌زاده، فاروق، کابالا عرفان آریای یهود، تهران، ایران جام، ۱۳۹۲، ص ۴۸۱ و ۴۸۲.

۲. گنون، رنه، معنای رمز صلیب تحقیقی در فن معارف تطبیقی، ترجمه بابک علیخانی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴، ص ۹۵.

3. Chanoch Henoch Leiner of Radzin, Shaar HaEmunah Ve'Yesod HaChassidut, Entrance to the Gate of Beit Yaakov, Chapter 2:4.

4. Zohar1:11a:4.

5. Chanoch Henoch Leiner of Radzin, Shaar HaEmunah Ve'Yesod HaChassidut, Entrance to the Gate of Beit Yaakov, 1:9

6. Zohar.1.12a.4.

7. ibid,1:11b:1.

جهان هماهنگ و کامل بود. هیچ چیز وجود نداشت که پیوند خدا و جهان آفرینش را برهم بزند یا در کار فیضان پیوسته و مستمر عشق و محبت او بر فرزندان آدم اختلال ایجاد کند، اما به واسطه‌ی گناهکاری انسان که با گناه آدم آغاز می‌شود انسان از مبدأ آغازین فعل خداوند دور شد. آن وحدت کامل از هم گسیخته شد و این رخنه و شکاف موجب ظهور شر و فساد در عالم شد. در نتیجه هماهنگی جهان جای خود را به اختلال و بی‌نظمی داد و نظم جهان دستخوش آشفتگی شد.^۱ بر این اساس تورات راه رسیدن به سعادت است. عمل به تورات باعث هماهنگی و تعادل در نفس انسان می‌شود و برای انسان فضیلت و کمال را به همراه دارد. این امر باعث فیضان عشق و محبت خداوند و ایجاد تعادل و هماهنگی در هستی می‌شود.

زیبای، قلب و خورشید

تيفثرت مطابق با خورشید نیز هست. همبستگی خورشید و قلب از این حیث است که هر دو بر مرکز دلالت دارند و در همه آموزه‌های سنتی غرب و شرق دیده می‌شود. قلب در همه سنت‌ها جایگاه عقل است.^۲ منظور عقل جزئی نیست بلکه عقل کلی متعالی است.^۳ از طرفی بین نور و معرفت نیز رابطه‌ای برقرار است. نور رایج‌ترین سمبل معرفت است پس طبیعی است که نور خورشید معرفت مستقیم باشد، یعنی معرفت شهودی که همان معرفت عقل محض است.^۴ قلب نیز در نظر عرفای قباله، با سی و دو راه حکمت در عرفان یهود مرتبط است. در عبری عدد سی و دو به صورت لامد بت نوشته می‌شود که lev خوانده می‌شود. این کلمه به عبری معادل قلب است. تورات هم قلب خلقت است. اولین حرف تورات بت است که در کلمه برشیت یا آفرینش به کار رفته است.

۱. اپستاین، ایزودور، یهودیت بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و

فلسفه ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲. گنون، رنه، سمبول‌های بنیادین زبان جهان شمول علم مقدس، ترجمه دل‌آرا قهرمان، تهران، انتشارات حکمت،

۱۳۹۹، ص ۵۵۶ و ۵۵۷.

۳. همان، ۵۵۹.

۴. همان، ۵۷۲.

آخرین حرف در تورات لام است. این دو در کنار هم کلمه lev را می‌سازند. تورات شرح سی و دو راه حکمت است.^۱ مسیر حکمت در عرفان قباله، مسیری است که در آن حرکت از آشکار به نهان یا از بیرون به درون است.^۲ تجلی این ارتباط بین زیبایی و قلب را در یعقوب می‌توان یافت. همانطور که اشاره شد در نظر اصحاب حکمت خالده زیبایی هم اخلاقی و هم عقلانی است. یعقوب که نماد تیفثرت است فردی است که به تورات عمل کرده و همچنین در نفس و فکرش به تعادل رسیده است؛ یعنی انسان صاحب فضیلتی است لذا سایه‌های شک و تردید از او دور شده و او به مرتبه معرفت یقینی دست یافته است. برای همین آرام توصیف شده است. همانطور که گفته شد خلوص و زیبایی باطنی مقدمه درک زیبایی حقیقی و مطلق است. از این رو می‌توان گفت یعقوب به واسطه زیبایی در نفسش نور و شکوه زیبایی حقیقی را درک کرده و به مرتبه معرفت قدسی دست یافته است.

علاوه بر این شهر اورشلیم هم در کتاب مقدس زیبا توصیف شده است. به باور عبرانیان، معبد در مرکز شهر اورشلیم و اورشلیم در مرکز جهان قرار دارد.^۳ اورشلیم قطب روحانی جهان است و نام اورشلیم از آن جهت به آن داده شده است که آن مرکز صلح حقیقی است. معبد توسط سلیمان ساخته شد که نام عبری آن Shlomoh است و از کلمه Salem که به معنی صلح است گرفته شده است.^۴ صلح هم چیزی جز نظم و هماهنگی و تعادل نیست.^۵

زیبایی و نظم در خلقت

نظم و هماهنگی در عالم هستی را می‌توان بر اساس کتاب آفرینش و فرایند خلقت نیز مورد توجه قرار داد. در عرفان قباله هریک از روزهای هفته به ترتیب مطابق با هفت

1. Kaplan, Sefer Yetzirah: The Book of Creation, p 9.

2. ibid:11

3. Guenon, Rene, The Lord of the World, University Press, Oxford, ,1958,p.37.

4. ibid:32

۵. گنون، معنای رمز صلیب تحقیقی در فن معارف تطبیقی، ص ۹۳.

سفیرای حسد، گورا، تیفرت، نصح، هود، یسود و ملکوت است. تیفرت مطابق با سومین روز خلقت است. بر اساس کتاب مقدس مراحل خلقت از روز اول تا روز سوم خلقت به شرح زیر است:

"در آغاز خدا آسمان و زمین را آفرید زمین تهی و خالی بود، تاریکی لجه را فراگرفته بود... خدا گفت روشنایی بشود و روشنایی شد. خدا دید روشنایی نیکوست و خدا روشنایی را از تاریکی جدا کرد. روشنایی را روز نامید و تاریکی را شب نامید... نخستین روز/ خدا گفت سقفی در میان آبها باشد و آبها را از آبها جدا کند و چنین شد... خدا سقف را آسمان نامید... روز دوم/ خدا گفت آبهایی که زیر آسمان است در مکانی انباشته شود و خشکی پدیدار گردد و چنین شد. خدا خشکی را زمین نامید و انبوه آبها را دریا... خدا گفت زمین از سبزه سر سبز گردد: از علفهای تخم آور و درختان میوه که بر وفق گونه شان میوه ها حاوی تخم خود بر زمین دهند. و چنین شد... روز سوم^۱.

در کتاب مقدس معادل کلمه تهی و خالی، توهو و بوهو آمده است و به هر گونه فقدان نظم به ویژه آنگاه که چشم گیر باشد دلالت می کند. این الفاظ، همینطور لفظ آبها چشم انداز سلبی را می سازند و بر وضعیت آشوب قبل از آفرینش دلالت می کند^۲. این آشفتگی به تدریج با خلقت روشنایی و جدا شدن آبها و جدا شدن آب از خشکی تا روز سوم تکمیل می شود. گویی هر چیزی در سر جای خودش قرار می گیرد و در روز سوم نظم و هماهنگی در جهان ایجاد می شود و گیاهان خلق می شوند. علاوه بر این نظم در خلقت را می توان در کلمات به کار رفته در آیات کتاب آفرینش نیز دنبال کرد. در بند اول این کتاب هشت بار کلمه **טוב** (tov/tob) به معنای خوب و یا زیبا به کار رفته است. این کلمه همواره با فعل دیدن به کار رفته است: "خدا دید روشنایی نیکوست" (آفرینش ۱: ۴). معادل عبری فعل دیدن **ראה** (ra'a) است، یعنی خداوند توجه

۱. آفرینش ۱: ۱-۱۳.

۲. سیار، پیروز، کتاب کتاب مقدس، کتاب های شریعت یا تورات بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، تهران، نشر نی و هرمس، ۱۳۹۹، پاورقی ص ۱۳۳، ۱۳۴.

کرد، بررسی کرد، اندیشید و در نهایت به این نتیجه رسید که حقیقتاً آن خوب است. در اینجا عملکرد و کارایی مد نظر است یعنی جهانی که خدا آفریده در یک نظم درست قرار دارد.^۱

اشاره به نظم و هماهنگی در عالم را می‌توان در دیگر متون یهودی مانند رازهای خنوخ نیز جست و جو کرد. خنوخ یکی از پیامبران پیش از طوفان است که در اسلام به او ادریس می‌گویند. کتاب خنوخ یکی از متون مهم فرشته شناسی در یهودیت است.^۲ این کتاب شرح خواندنی و جذاب معراج اوست. در بخش اول کتاب، خنوخ شخصی محبوب نزد خداوند توصیف شده لذا خداوند او را به حضور طلید تا قلمرواش را به او نشان دهد. بنابراین دو فرشته به دنبالش آمدند تا او را به آسمانها ببرند.^۳ خنوخ در این سفر روحانی شگفتی‌های بسیاری را از آسمان‌ها و ملکوت خداوند مشاهده کرد، در قسمتی از شرح او از این سفر می‌خوانیم: "ایشان مرا به آسمان چهارم بردند و ... همه پرتوهای خورشید و ماه را به من نشان دادند... فلک آن و چرخ‌هایی که پیوسته بر آن سیر می‌کنند... آن مردان مرا به مشرق بردند و کنار دروازه‌های خورشید نهادند؛ جایی که خورشید طبق نظم فصول و دوره ماهها سراسر سال و شمار ساعتها روز و شب را به جلو میبرد... آنان محاسبه حرکت خورشید را به من نشان دادند... آن مردان مدار دیگری، یعنی ماه را به من نشان دادند که دوازده دروازه دارد و از مغرب تا مشرق را می‌پوشاند و ماه در اوقات معهود بدان وارد و از آن خارج می‌شود".^۴ خنوخ همه آنچه را که دیده را نوشت و پس از بازگشت از این سفر فرزندان و قومش را جمع کرد و همه را برایشان تعریف کرد: "من جمع بیشمار فرشتگان را اندازه گیری کردم... من فلک خورشید را اندازه گیری کردم و پرتوهایش را سنجیدم... من راه رعد و برق را نوشتم... من اقامتگاه باد را نوشتم و مشاهده کردم که خازنان آن ترازوهای و پیمان‌هایی را

۸۱

پروشمه ادیان

پرسش از زیبایی در عرفان یهودی: مقاله از دیدگاه فلسفه جاویدان

1. Hover-Johag, **חוב**, Theological Dictionary of Oldtestament, Edited by Botterweek, G. Johannes, Ringgren, Helmer, William B. Eerdmans Publishing co. United States, 1997, vol.5, p.304.

۲. توفیقی، حسین، رازهای خنوخ، هفت آسمان، شماره ۲، ۱۳۷۸، ص ۲۱ و ۲۲.

۳. همان، ۲۵.

۴. همان، ۲۹-۳۱.

حمل می‌کنند... و آنها را به اندازه و با مهارت روی همه زمین‌ها رها می‌کنند...^۱. به طور کلی آنچه که در این سفر روحانی به خنوخ نشان داده شد این بود که همه ملائکه به فرمان یهوه وظایف خاص خود را دارند و در حال انجام آن هستند. علاوه بر این، هر چیز در سر جای خودش قرار گرفته و اندازه و مقدار معینی دارد و در زمان مقرر اتفاق می‌افتد. هیچ چیز خارج از این نظم و هماهنگی حرکت یا عمل نمی‌کند.

در کتاب زوهر تفسیر دیگری از روز سوم خلقت و نظم در هستی ارائه شده است. در این کتاب آمده است که در روز دوم خلقت بین دو طرف راست و چپ یعنی به ترتیب حسد (مهربانی بی نهایت / مطابق با روز اول) و گورا (داوری سخت / مطابق با روز دوم) مشاجره بود. گورا می‌خواست به قدرت حسد پایان دهد و حسد می‌خواست به قدرت گورا پایان دهد. خدا می‌خواست به این مشاجره پایان دهد برای همین آسمان‌ها را بین آنها قرار داد. این جدایی باعث عشق و دوستی شد که جهان را حفظ می‌کند.^۲ گرچه در روز دوم آب‌های زمینی از آنها آسمانی جدا شدند اما مشاجره بین آنها پایان نیافت تا زمانی که روز سوم تیغرت آمد و مشاجره آنها متوقف شد.^۳ براین اساس گفته شده است که جهان بر اساس رحمت آفریده شده است و این باعث می‌شود که جهان تداوم یابد و نابود نشود.^۴ همانطور که اشاره شد یک تقسیم بندی دیگر از سفیراها تقسیم آنها به سه ستون است. به این صورت که ستون مرکزی عامل هماهنگی دو ستون سمت راست و چپ است و دو صفت متضاد در آن دو ستون را به هماهنگی می‌رساند. تیغرت در ستون وسط و عامل هماهنگی حسد و گورا است. مشاجره بین این دو صفت در روزهای آغازین آفرینش به وضعیت ناهماهنگی و آشوب دلالت دارد. روز سوم که مطابق با تیغرت است باعث هماهنگی دو صفت مهربانی بی نهایت و داوری سخت شد. نظم، هماهنگی و دوام هستی را به ارمغان آورد. به همین دلیل تیغرت با عشق و رحمت ارتباط پیدا می‌کند که اساس

۱. همان، ۴۴ و ۴۵.

2. Zohar1:17a:5

3. ibid,1:18a:3

4. ibid, 1:180b:1

آفرینش است^۱. در متون تلمودی نقل شده است که خداوند گفت: اگر جهان را {فقط} با مهربانی بآفرینم گناه زیاد می‌شود و اگر جهان را {فقط} با عدالت بآفرینم چطور به وجود ادامه دهد. پس جهان را با هر دو اینها می‌آفرینم که دوام یابد^۲. دوام عالم حاصل محبت و عشق خداوند است که آشوب و بی‌نظمی را به تعادل، نظم و عدالت مبدل کرد. بنابراین نظم در عالم هستی علاوه بر این که منشأ عشق و رحمت است نشان از ذات مطلق و بی‌نهایت دارد.

نتیجه

۸۳

پروشمه ادیان

پرسش از زیبایی در عرفان یهودی قباله از دیدگاه فلسفه جاویدان

در نظر اصحاب حکمت خالده زیبایی اولاً و به ذات از آن خداوند است. او همواره زیباست و کون و فساد در زیبایی او راه ندارد. او خاستگاه همه آن چیزهایی است که بهره‌ای از زیبایی دارند. عالم وجود نیز تجلی زیبایی خداوند است. از این رو زیبایی امری مستقل از انسان است و امری ذوقی نیست. الگوی الهی زیبایی تعادل صفات الهی است. خداوند نیز جهان را در نهایت تعادل و کمال آفرید. این تعادل و نظم در عالم جلوه‌ای از زیبای خداوند است. علاوه بر این زیبایی با نظم، راز، اخلاق و عقل در ارتباط است. مولفه‌های مذکور را می‌توان در مفهوم زیبایی در عرفان قباله نیز مشاهده کرد. مفهوم زیبایی (تيفثرت) در عرفان قباله در بحث اسماء و صفات الهی و در درخت زندگی (سفیروت) مطرح می‌شود. سفیروت‌ها نام‌ها یا واسطه‌هایی هستند که از طریق آن خداوند خود را آشکار کرد و راه شناخت خداوند تلقی می‌شوند. همانطور که گفته شد خدا در عرفان قباله در عمق پنهانی بود و خواست که شناخته شود از این رو خودش را در ده وجه یا صفت (سفیروت) آشکار کرد. زیبایی هم یکی از این تجلیات و ظهورات خداوند محسوب می‌شود. او آغاز و سرچشمه زیبایی است. به طور کلی این مفهوم بر نظم و هماهنگی دلالت دارد. در مرتبه اول زیبایی یکی از ظهورات خداوند

1. ibid,1:10b:6

2. Kohler,Kaufmann, B.M. M. Eichler, GRACE, DIVINE, The Jewish encyclopedia, Funk and Wagnalls,NewYork,1906,v.6,p.60.

است، علاوه بر این هماهنگی بین دو صفت (مهربانی و داوری) خداوند نیز هست و این بر کمال، تمامیت و حقیقت دلالت دارد. تیغثرت با تورات مطابق است. به همین خاطر در بردارنده نظم و راز است؛ زیرا هر دو منعکس کننده ذات مطلق و بی نهایت خداوند هستند. عمل به این کتاب باعث نظم و هماهنگی در نفس انسان می شود که به طریق اولی نظم و هماهنگی در جهان را به همراه دارد. یعقوب نماد تیغثرت است. او انسان صاحب فضیلتی است که احساسات و اندیشه اش به تعادل رسیده لذا در مقام صلح اکبر است. این زیبایی نفس و ترس از خدا منشا معرفت و درک زیبایی حقیقی است. همچنین تیغثرت مطابق با روز سوم خلقت است. روزی که نظم در جهان حاکم شد. روزی که جدال دو صفت خداوند با به وجود آمدن تیغثرت به صلح، استقرار و آرامش تبدیل شد. این صلح و آرامش منشا عشق و رحمت و منعکس کننده ذات خداوند است. بنابراین زیبایی در عرفان قباله بر خلاف دوره مدرن امری عینی و مستقل از انسان است و نه امر ذوقی. به طور کلی می توان گفت کلید واژه های زیبایی در عرفان قباله همسو با نظریات حکمت خالده هستند و شامل تعادل، نظم، راز، کمال، عشق، محبت، فضیلت و خرد می باشند.

فهرست منابع

- کتاب مقدس، کتاب‌های شریعت یا تورات براساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی و هرمس، ۱۳۹۹.
- ایستاین، ایزودور، یهودیت بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- بینای مطلق، محمود، نظم و راز، تهران، انتشارات هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- توفیقی، حسین (۱۳۷۸)، رازهای خونخ، هفت آسمان، شماره ۲، ۱۳۷۸، ۲۱ تا ۵۶.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، بررسی متنی و سندی متون مقدس یهودی - مسیحی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- شوآن، فریتهوت، حقایق و خطاهایی درباره زیبایی، هنر و معنویت، ترجمه ان‌شالله رحمتی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۹۴.
- شوآن، فریتهوت، مسائل نظری هنر و زیبایی مبانی جامع زیبایی شناسی جامع، ترجمه محمدرضا ریخته‌گران، فصلنامه نقد و نظر، سال چهارم، ۱۳۷۷، شماره ۳، ۲۰ تا ۲۹.
- شولم، گرشوم، جریان‌های بزرگ عرفان یهود، ترجمه فریدالدین رادمهر، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۹.
- صفی‌زاده، فاروق، کابالا عرفان آریای یهود، تهران، ایران جام، ۱۳۹۲.
- کاویانی، شیوا، آیین قبالة عرفان و فلسفه یهود، تهران، انتشارات فراوان، ۱۳۹۳.
- کوماراسوامی، آناندا، مبانی زندگی هنر و زندگی، ترجمه امیر حسین ذکرگو، تهران، فرهنگستان هنر، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- گنون، رنه، سمبول‌های بنیادین زبان جهان‌شمول علم مقدس، ترجمه دل‌آرا قهرمان، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۹۹.
- گنون، رنه (۱۳۷۴)، معنای رمز صلیب تحقیقی در فن معارف تطبیقی، ترجمه بابک علیخانی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴.

- نصر، سید حسین، معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی میرزائی، تهران، نشر فرزاد، ۱۳۹۸.
- The Zohar, <https://www.sefaria.org/Zohar?tab=contents>
- Broydé, Isaac, SEFIROT, THE TEN, The Jewish encyclopedia, Funk and Wagnalls, New York, 1906, v.11.
- Chanoch Henoch Leiner of Radzin, Rabbi Gershon, Shaar HaEmunah Ve'Yesod HaChassidut, Entrance to the Gate of Beit Yaakov, [https://www.sefaria.org/search?q=\(Shaar%20HaEmunah%20Ve%27Yesod%20HaChassidut%2CEntrance%20to%20the%20Gate%20of%20Beit%20Yaakov&tab=text&tvar=1&tsort=relevance&svar=1&ssort=relevance](https://www.sefaria.org/search?q=(Shaar%20HaEmunah%20Ve%27Yesod%20HaChassidut%2CEntrance%20to%20the%20Gate%20of%20Beit%20Yaakov&tab=text&tvar=1&tsort=relevance&svar=1&ssort=relevance)
- **Drob. Sanford L**, The Sefirot: Kabbalistic Archetypes of Mind and Creation, CrossCurrents, Spring, 1997, Vol 47, Num 1, pp5-29.
- Ferretter, Luke, The Power And The Glory : The Aesthetics Of The Hebrew Bible, literature and Theology, 2004, Vo. 18.No.2. pp 123-138.
- Guenon, Rene, The Lord of the World, University Press, Oxford, 1958.
- Hover-Johag, טוֹב, Botterweck, G. Johannes. Ringgren, Helmer, Theological Dictionary of The Old Testament, VERLAG .W.KOHLHAMMER GMBH STUTTGART, W.GERMANY, VOL 5, 1997.
- Jacobs, Joseph, A. Biram, MA'ASEH BERESHIT; MA'ASEH MERKABAH (literally, "work of Creation" and "work of the Chariot", The Jewish encyclopedia, Funk and Wagnalls, New York, 1906, v.8.
- Kaplan, Aryeh, Sefer Yetzirah: The Book of Creation, Red Wheel/Weiser, Boston, York Beach, 1997.
- Kohler, Kaufmann, Ginzberg, Louis, CABALA, The Jewish encyclopedia, Funk and Wagnalls, New York, 1906, v.3.
- Kohler, Kaufmann, B.M. M. Eichler, GRACE, DIVINE, The Jewish

encyclopedia, Funk and Wagnalls, New York, 1906, v.6.

– Scholem, Gershom, Kabbalah, Keter Publishing House Jerusalem Ltd. P.O. Box 7145, Jerusalem, Israel, 1978.

– _____, Kabbalah and its Symbolism, Schocken books Inc., New York, 1960.